**اعوذ بالله من الشیطن الرجیم**

**بسم الله الرحمن الرحیم**

# جادوی شیاطین (قسمت ۱۷۱)

# درمان بیماری (بخش ۱۸)

# خون

**تمام آئینهای جهان، قبل از انحراف از مسیر اصلی خویش؛ چهار خط قرمز برای پیروان خود در نظر گرفته بودند که جزو اصول دینی آنها بوده است. آن چهار خط قرمز را همه می دانیم:**

- الْمَيْتَةُ : **مردار**
- الدَّمُ: **خون**
- لَحْمُ الْخِنْزِيرِ: **گوشت خوک**
- مَا أُهِلَّ بِهِ لِغَيْرِ اللَّهِ : **آنچه که به نام غیر خدا تهیه شده باشد**

إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنْزِيرِ وَمَا أُهِلَّ بِهِ لِغَيْرِ اللَّهِ فَمَنِ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١٧٣﴾

[خداوند] تنها مردار و خون و گوشت خوك و آنچه را كه [هنگام سر بريدن] نام غير خدا بر آن برده شده بر شما حرام گردانيده است [ولى] كسى كه [براى حفظ جان خود به خوردن آنها] ناچار شود در صورتى كه ستمگر و متجاوز نباشد بر او گناهى نيست زيرا خدا آمرزنده و مهربان است (١٧٣)

إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ الْكِتَابِ وَيَشْتَرُونَ بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَئِكَ مَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ إِلَّا النَّارَ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١٧٤﴾

كسانى كه آنچه را خداوند از كتاب نازل كرده پنهان مى دارند و بدان بهاى ناچيزى به دست مى آورند آنان جز آتش در شكمهاى خويش فرو نبرند و خدا روز قيامت با ايشان سخن نخواهد گفت و پاكشان نخواهد كرد و عذابى دردناك خواهند داشت (١٧٤)

أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرَوُا الضَّلَالَةَ بِالْهُدَى وَالْعَذَابَ بِالْمَغْفِرَةِ فَمَا أَصْبَرَهُمْ عَلَى النَّارِ ﴿١٧٥﴾

آنان همان كسانى هستند كه گمراهى را به [بهاى] هدايت و عذاب را به [ازاى] آمرزش خريدند پس به راستى چه اندازه بايد بر آتش شكيبا باشند (١٧٥)

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ نَزَّلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِي الْكِتَابِ لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ ﴿١٧٦﴾

چرا كه خداوند كتاب [تورات] را به حق نازل كرده است و كسانى كه در باره كتاب [خدا] با يكديگر به اختلاف پرداختند در ستيزه اى دور و درازند (١٧٦)

لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ ﴿۱۷۷﴾

نیکوکاری آن نیست که روی خود را به سوی مشرق و [یا] مغرب بگردانید بلکه نیکی آن است که کسی به خدا و روز بازپسین و فرشتگان و کتاب [آسمانی] و پیامبران ایمان آورد و مال [خود] را با وجود دوست داشتنش به خویشاوندان و یتیمان و بینوایان و در راه‌ماندگان و گدایان و در [راه آزاد کردن] بندگان بدهد و نماز را برپای دارد و زکات را بدهد و آنان که چون عهد بندند به عهد خود وفادارانند و در سختی و زیان و به هنگام جنگ شکیبایانند آنانند کسانی که راست گفته اند و آنان همان پرهیزگارانند (۱۷۷)

**در ادامه آیات از کتمان آیات قرآنی، ضلالت، گمراهی، تعریف نیکی صحبت می فرماید. در همان آیه که از حرام بودن این چهار مورد صحبت می فرماید، یک شرطی برای آن گذاشته است. فرموده است که در یک حالت خاص، میتوان از این چهار مورد مصرف کرد** (فَمَنِ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ = اما کسی که ناچار و ناگزیر شود در صورتی که زیاده روی نکند و دوباره به مصرف آن برنگردد بر او گناهی نیست زیرا خدا آمرزنده و مهربان است ).

**چهار خط قرمز که تعیین شده است، فقط با سه شرط قابل استفاده است. کسی که ناچار و ناگزیر شود در صورتی که زیاده روی نکند و دوباره به مصرف آن برنگردد بر او گناهی نیست زیرا خدا آمرزنده و مهربان است. پس سه شرط:**

۱- اضْطُرَّ : **حالت اضطرار و مخمصه باشد، طوریکه چاره ای جز مصرف آن نباشد.**

۲- غَيْرَ بَاغٍ : **زیاده روی نشود و به مقدار کمترین که نیاز است مصرف شود. یعنی پیمانه را به سمت کمش باید گرفت.**

۳- وَلَا عَادٍ : **دوباره برنگردد و همان یکبار باشد.**

**ما از روی سه شرط بالایی، میتوانیم تعیین کنیم که در چه حالتی میتوانیم قرصها و داروها را مصرف کنیم. این سه شرط را خدای عالمیان خودش گذاشته است و برای عموم مردم است. اما یکی ممکن است بپرسد که مصرف قرص و دارو چه ربطی به این چهار خط قرمز دارد؟**

**در اینجا ثابت میشود که تعبیر** الدَّمَ **(خون) در آیه، همان قرصها و داروهاست. یکی از مواردی که به داروها و قرصها مرتبط میشود، خون است. قبل از مقایسه داروها و قرصها با خون، بهتر است که خواص علمی خون را بشناسیم. خون دارای آهن و مواد انباشته زیادی است که با خوردن آن، بدن دچار حالتهای افراطی میشود و باعث نامتعادل شدن بدن میشود. خوردن خون، باعث غیرعادی شدن سایز اندامهای داخلی و خارجی بدن انسان هم میشود.**

**در قبیله بودی در اتیوپی، مردان شکمهایشان را گنده میکنند تا که زنان را جذب خود کنند. آنان برای اینکار از خوردن ترکیب شیر و خون استفاده میکنند. این ترکیب شکم آنان را گنده میکند و تقریبا نیم متر شکم آنان جلوتر میاید. مردان این قبیله**

این برآمدگی شکم را راز جذابیت خود می دانند (با جستجوی عبارت "قبیله بودی اتیوپی"، میتوان تصاویر را نگاه کرد). این خاصیت خوردن خون است که باعث نامیزان شدن اعضاء و اندامهای بدن میشود. هر چیز دیگری که مثل خون باشد، هم چنین خاصیتی را دارد.

خوردن خون باعث بیماریهای قلبی و کبدی هم میشود. هر چیزی که حالت دوپینگی برای بدن داشته باشد، در این آیه صدق میکند. قرصهای مختلف دوپینگی و پودرهای بدنسازی و مکمل و آهن و غیره که مثل خون، در بدن جریان می یابند و اثرات آنها سریع السیر است. انواع آمپولها و قرصهای شیمیایی و پنی سیلین و ... که سریع الاثرند، مشابه خون هستند. اما در نظر داشته باشیم که در آخر آیه خدا می فرماید که در حالت اضطرار و بدون بازگشت و بدون زیاده روی، در صورتی که چاره ای جز آن نباشد، میتوان از آن بصورت کمینه استفاده کرد. بنابراین کسی که دیابت دارد، و قند خونش می افتد، میتواند انسولین به خود تزریق کند. انسولین خودش خون مانند است. اما یکی که بدنسازی میکند و آمپول به خودش تزریق میکند، این حالت اضطرار نیست.  بالاتنه و یا پایین تنه یک بدنساز مرد و یا زن خیلی بزرگتر از سایر اعضای بدن اوست و این توازن بدن او را به هم میزند. این خاصیت بخاطر تزریق و مصرف انواع پودرها و سایر مواد نیروزاست. و گرنه پهلوانان قدیم اینطوری نبوده اند. عکسی از یک پهلوان زمان قدیم دیدم که دو نفر را بر روی دستهای خود نگه داشته بود، ولی بدنش خیلی معمولی بود. پهلوان بودن به سایز بدن نیست.

**یکی از دلایل شباهت خون به داروها و قرصها، همین است. خون تعادل اندامهای بدن را به هم می ریزد. قرصها و داروها هم باعث عدم توازن سایز و کارکرد اندامها میشود. اینها همگی شبیه خونند برای همین است که کارکرد و سایز بدن و تعادل و سایز اندامهای داخلی و خارجی بدن را به هم میزنند.**

**ظاهرا از نظر علمی، خون فواید زیادی دارد و خیلی ویتامینها از جمله آهن در خود دارد. اما دلایل علمی آکادمیک کافی نیست. هیچ منبع آکادمیکی نمیتواند از فواید خون، چشم پوشی کند. اما خدا چرا فرموده است حرام است؟**

**فواید خون از نظر آزمایشات:**

- **خون حاوی مقدار زیادی آهن است**
- **منبع پروتئین**
- **ویتامین‌ها و مواد معدنی به مقدار زیاد**

**اما چرا خدای مهربان آن را حرام کرده است؟ خدا چیزی میداند که ما نمی دانیم. زیرا خوردن خون، باعث تنبل شدن بدن، در دراز مدت، اختلال در متابولیسم بدن، مصنوعی شدن بدن، تغییر سایز اندامهای داخلی و خارجی بدن. همانطور که خون دارای ویتامینهای زیاد است، میتواند دارای ویروسهای مخرب زیاد هم باشد. با مصرف خون آلوده، تقریبا تمام بدن فرد، ناتوان و فلج میشود.**

**در برخی از فرهنگ‌های باستانی، خوردن خون به عنوان بخشی از مراسم مذهبی یا آیینی انجام می‌شد و به عنوان نمادی از ارتباط با خدایان یا اجداد در نظر گرفته**

**می‌شد. آنها از خون، به عنوان یک مایع دوپینگی استفاده می کردند. خدای مهربان و حکیم با حرام کردن خون، میخواهند که بدن ما بطور آهسته و پیوسته، ویتامینها و املاح مورد نیاز خود را بدست آورد. بدست آوردن یکباره اینها، انسان را دچار بیماریهای مختلفی میکند. جالب است که خوردن خون، انسان را دچار کبر و غرور هم میکند. زیرا به یکباره بدون زحمت و سریع الاثری، مقدار زیادی مواد گیرش میاید و این اتفاق حتی اندامهای ما را دچار غرور و خود بزرگ بینی میکند.**

**میگویند که سگی که خون بخورد، هار میشود. هاری در سگ شبیه غرور و تکبر در انسان است. اصلا گرگ بخاطر خوردن خون، خیلی درنده تر است. وقتی گرگ یک گوسفندی را بدرد و خون آن را حس کند، چند تای دیگر را هم میدرد.**

**غرور و تکبر و خودبزرگ بینی و حمله به دیگران در انسان، همان هاری است، اما چون انسان کلمات را خودش انتخاب میکند، قصد ندارد که نامهای صادقانه روی اخلاق و رفتار خود بگذارد و سعی دارد با نامهای عجیب و غریب آن را بپوشاند و خود را فریب دهد؛ و گرنه غرور و تکبر و پرخاشگری همان بیماری هاری است.**

**گرگ با خوردن خون، حرص و ولعش بیشتر میشود. تازه اینها تاثیرات خوردن خون بر موجوداتی است که از نظر خدا معصومند و بی گناه. حالا تصور کنید که خوردن خون روی انسان چه تاثیرات بدی می گذارد!**

**مصرف خون ، مصرف قرص و داروی های غیر ضروری، آدمی را هار میکند. حرص و ولع آدمی را زیادتر میکند، طوری که هار میشود. این مواد سطح انرژی جسم را بالا**

**می برند؛ گرمایی در بدن ایجاد میکنند. فرد اگر این گرما را بیرون ندهد، به پرخاشگری، لاتی، هاری رو می آورد.**

**حرص و ولع نسبت به خون، خون آشام تولید میکند. فردی که خون بخورد، دیگر بدنش به خوردن سریع الاثرها عادت میکند و بعد از آن مثل معتاد، برای بدست آوردن خون، هرکاری میکند. خون آشام ها ابتدا خون آشام نبودند، بلکه کسانی بودند که خون میخوردند ولی بعد از مدتی به رتبه خون آشامی رسیدند. خون آشامی مرحله ای است که انسانها به مواد غذایی و قرصها و داروهای سریع الاثر و سریع الجذب عادت می کنند و بدنشان کمتر از اینها را نمی پذیرد. در این حالت افراد برده جسم خود میشوند و برای بدست آوردن نیازهای جسمی خود، هر کاری میکنند. یک معتاد، جسم خود را به مواد با دوپامین بالا عادت میدهد. خاصیت مواد مخدر این است که به یکباره باعث ترشح هورمونهای دوپامین زیادی خواهد شد و افراد به این دوز دوپامین زیاد عادت میکنند و به همین خاطر به طرف مصرف آن ماده مخدر بر می گردند.**

**کسی که به خوردن ربا عادت کند، دیگر نمی تواند از طریق عادی و معمولی، پول بدست آورد و جوابگوی نیازهای او نخواهد بود. کسی که خون و مواد شبیه به خون بخورد، دیگر بدنش قادر به جذب مواد غذایی معمولی نخواهد بود و به کمتر از خون راضی نخواهد بود. در طول تاریخ کسانی که خون می آشامیدند، بعد از مدتی آدم خوار شدند و برای رفع نیازهای خونی، حتی آدمهای دیگر را هم می خوردند. بدن انسان به املاح و ویتامینهای خاصی نیاز دارد. اما خدای قادر حکیم میخواهد که این**

**ها بصورت پیوسته و آهسته جذب بدن شوند. راز سلامتی انسان در همین آهستگی و پیوستگی است.**

**دَم در عربی در معناهای زیر میتواند باشد:**

خون، بد ریخت شدن، بدشکل شدن، نیرو و انرژی، عصبانی کردن، هر چیزی که آدمی را عصبانی تر کند، جوش آمدن خون، دائم، خون کسی را به جوش آوردن و ...

**پس مصرف خون، آدمی را از نظر ظاهر و اخلاق هر دو بد ریخت و بد شکل میکند. عصبانی شدن الکی نوعی بدریختی اخلاقی است. رشد نامتوازن کالبد انسان، قیافه را بدریخت میکند.**

**دَم یعنی انرژی و ویتامینها و املاح مازاد بر نیاز طبیعی بدن را وارد بدن کنید. اینها شکل طبیعی بدن و اخلاق را به هم می ریزد. به همین خاطر است که افرادی که خون مصرف میکنند، بدریخت و غیرقابل تحمل میشوند. وقتی از خون حرف می زنیم، منظورمان فقط خون داخل رگها نیست. بلکه تمام قرصها و داروها و چیزهای دیگری است که خارج از نیاز و بدون اضطرار مصرف میشوند. وقتی میگوئیم در وقت اضطرار؛ سوء تفاهم نشود. در نظر داشته باشید که خدای حکیم فرموده است که گوشت مردار حرام است، بجز در حالت اضطرار. بنابراین خوردن داروها و قرصها فقط در حالت اضطرار مجاز است. این اضطرار همان اضطراری است که در مورد گوشت مردار در آیه مطرح شده است.**

دَم فقط خوردنی جسمی نیست، بلکه خیلی از اشعار هم مثل خون هستند. شعرا معمولا دنبال نَفَسهای معجزه آسا هستند که به یکباره روان آنان را تغییر دهد. آنان بجای اینکه با صبر و آهستگی و پیوستگی خود را تغییر دهند، از مسیحا نَفَسی صحبت میکنند که آنان را به یکباره زیر و رو کند. مولوی در دیوان شمس خیلی از این دَمها و خونهای روحی روانی صحبت میکند. که همگی به شور و شیدایی خواننده منجر میشود و باعث عبور از خط قرمزها میشود. شعرا ناخودآگاه و خودآگاه انسان ها را به سمت مصرف دَم روانی و مردار روانی سوق میدهند.

اگر اینپوت زیادی از دَمهای جسمی و روانی در خود بریزید، بصورت غم، غصه، شادی غیرطبیعی و رفتارهای غیرطبیعی ظاهر میشود و منجر به مشکلات عمده روانی میشود. خونها و یا دَمهای روانی هم مهم هستند. دیوان شمس یک کتاب شعر است که کلا پر است از شور و احساس های اضافی و بیفایده. این دیوان انسان را جوش می آورد و دَم خاصی در آن است. به همین خاطر است که شعراء احساسات زشت زیادی در خود دارند و اکثرا از نظر روانی به هم ریخته اند. کسی که دیوان شمس بخواند و از نظر حسی، در آن غرق شود، دچار بیماری هاری می شود و بعد از آن دیگر به کمتر از آن شور و هیجان راضی نیست. نامه های عاشقانه به معشوق، نوعی دم است که شور و شیدایی را بیشتر میکند و در نتیجه، عاشق و معشوق هر دو را از قبل زشت تر میکند. انسان با مصرف دَم، ظاهرا خوشحال میشود و موقتی شور و شیدایی پیدا میکند، ولی از نظر قیافه و اخلاق بدریخت میشود. زیرا خون سایز اندامهای بدن و سایز و تن صدا را هم تغییر میدهد. لقمان به پسرش دو وصیت میکند و به او میگوید:

وَاقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَاغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ ﴿۱۹﴾
و در راه رفتن خود میانه رو باش و صدایت را آهسته ساز که بدترین آوازها بانگ خران است (۱۹)

- **میانه روی در راه رفتن و مشی زندگی**
- **آهسته کردن صداها و سایزها و اندازه ها**

**نصیحت دومی از آهسته سازی صوتها و سایزها و اندازه ها صحبت میکند. خوردن خون و مواد مشابه خون، چنین سایزی را به هم می زند. در حالت عادی، سایزها معمولی و طبیعی است، اما در طول زمان با مصرف مواد شبیه به خون، این سایزها به هم میخورد. یکی قرص خواب مصرف میکرد. بعد از مدتی حرفهایی در جمع میزد که نباید میزد. مقداری شرم وحیا برای همه خیلی مناسب است.**

**در سیستم ربوی که یک سیستم مبتنی بر دَم است، مصرف گرائی و اسراف رواج دارد. در سیستم ربوی، اهمیت تخصص، کار، زحمت، تلاش و کوشش از بین می رود. در سیستم ربوی، گرانی یک چیز عادی است، طوری که افراد نسبت به آن هیچ عکس العملی نشان نمی دهند. بدنی که بدون حالت اضطرار به انواع قرصها و داروها روی آورده است، کار و تلاش و کوشش و زحمت اندامها و اجزای بدنش برای تصفیه و بدست آوردن ویتامینها از غذاها و جذب آنها، اهمیت خود را از دست میدهد. در**

**نتیجه این اعضاء بدن، کارکرد و یا حتی عملکرد واقعی خود را از دست میدهند و در نتیجه بدن، هر چه بیشتر به این مواد شبیه خون وابسته تر میشود.**

**بکارگیری صبر در امورات زندگی، بسیار مهم است. خوردن قرصها و داروها فقط در حالت اضطرار بکار برده شود. بدن ما باید خودش، ویتامینها و مواد لازم را طی خوردن غذا، هضم و جذب کند و این فرآیند همراه با صبر و آهستگی باشد. خوردن قرص ویتامین، در ظاهر شاید ویتامین بدن را بالا ببرد، اما از آنجا که همراه با صبر و آهستگی و فرآیند طبیعی گوارش نبوده است، مثل یک تزریق بحساب میاید و حکم خون را دارد و باعث بدریختی اعصاب و قیافه و رفتار خواهد شد. صبر پاداش خوبی دارد. بدنی که فرآیند صبر بر او حاکم باشد، جزا و پاداش او این است که کمتر بیمار میشود و نیاز کمتری به داروها پیدا میکند.**

قُلْ يَا عِبَادِ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا رَبَّكُمْ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَأَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةٌ إِنَّمَا يُوَفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿١٠﴾

بگو ای بندگان من که ایمان آورده اید از پروردگارتان پروا بدارید برای کسانی که در این دنیا خوبی کرده اند نیکی خواهد بود و زمین خدا فراخ است بی تردید شکیبایان پاداش خود را بی‌حساب [و] به تمام خواهند یافت (۱۰)

**اما اگر مصرف این مواد شبیه به خون، در حالت مخمصه و اضطرار باشد، خدا آن را ممنوع نکرده است. ولی به شرطی که به یک عادت تبدیل نشود و همچنین برحسب**

**نیاز واقعی باشد و نه همراه با زیاده روی. به هر حال فرآیند صبر و آهستگی در غذا خوردن میتواند در رفتار کلی انسان تاثیر گزار باشد.**

إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ (براستی خدا با صبرکنندگان است)

وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ (و خدا صبرکنندگان را دوست دارد)

**صبرکنندگان کسانی هستند که صبر را در همه امورات زندگی خود تاثیر میدهند؛ حتی در فرآیند بهبود بیماری. مثلا برای کسب ویتامین دی ۳، صبر میکنند و با حوصله تمام و بطور منظم، زیر آفتاب میروند و طی این فرآیند زمانبر، ویتامین دی ۳ را وارد بدن خویش میکنند. اما کسی که قرص آن را مصرف میکند، از خیلی چیزهای دیگر خود را محروم میکند و همچنین از آنجا که طی فرآیند صبر و حوصله و تلاش و کوشش آن را بدست نیاورده است، بعدا دچار مشکلاتی خواهد شد.**

**مصرف مواد شبیه به خون باید فقط در حالت اضطرار باشد. اگر در حالتهای غیر اضطرار مصرف شود، یک نوع جادوی سفید است و انسانها در فرآیند جادو می افتند و از نظام رحمانی دور میشوند. جادو چیز عجیب و غریبی نیست. هر کس طبق فرآیند نظام رحمانی عمل نکند، مجبور است رو به این جادوها ببرد. مصرف مواد شبیه به خون در حالت غیر اضطرار ، یک نوع جادوی سفید به حساب میاید. اما همانطور که**

**آیه فرموده است، مصرف این مواد در حالت اضطرار و در حالتی که هیچ راه حل دیگری وجود ندارد، جادوی سفید نیست. همانطور که آیه می فرماید و آن را استثناء کرده است:**

فَمَنِ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ = اما کسی که ناچار و ناگزیر شود در صورتی که زیاده روی نکند و دوباره به مصرف آن برنگردد بر او گناهی نیست زیرا خدا آمرزنده و مهربان است.

**حالت اضطرار = حالت ناچاری و ناگزیری**

**غیرباغ = بدون زیاده روی و در حالت کمترینش**

**لا عاد = دوباره برنگشتن به مصرف آن تا که فرد به آن عادت نکند**